

کلمه انقلاب در آثار مطهری

محمد رحیمی خسوئی^۱

^۱دانشجوی کارشناسی حقوق

نویسنده مسئول:

محمد رحیمی خسوئی

چکیده:

این مقاله دربردارنده واژه انقلاب و کاربردهای متفاوت آن در آثار مطهری است که نگارنده کلمه انقلاب را از آثار وی استخراج کرده و معانی گوناگون آن را در کل به تلخیص و یا نقل به مضمون آورده است. در جاهایی نیز سخن وی را نقل می‌کند. اکثر آثار به صورت سخنرانی و یادداشت بوده است که ادبیات خاصی در بیان موضوعات دارد که در مقاله نیز این نکته، آمده است. این پژوهش برای مخاطبانی است که قصد جستجو و پژوهش درباره آثار مطهری را دارند. در این پژوهش فقط (۱۴) اثر مطهری بررسی و تجزیه و تحلیل شده است.

کلیدواژه‌ها: مرتضی مطهری، انقلاب، آثار مطهری

۱. مقدمه

۱-۱ تفکر انقلابی، اسلامی مطهری را می‌توان در آثارش یافت. پس بر آن شدم با معرفی اندیشه وی مقاله حاضر را بنویسم؛ که پژوهشی است در زمینه دین پژوهی.

۱-۲ انقلاب مصدر باب انفعال و از ریشه قلب می‌باشد و به معانی:

(۱) برگشتن از حالی به حالی دیگرگون شدن (۲) زیروروشدن، واگردیدن، برگشتن (۳) (إمض) برگشتگی و تغییر و تحول، تبدل (۴) شورش، بی‌آرامی (۵) (سیا) شورش عده‌ای برای واژگون کردن حکومت موجود و ایجاد حکومتی نو (۶) شورش دل، منش‌گردا، استفراف، قی (۷) (فل) انقلاب در عناصر به معنی تبدیل صورتی به صورت دیگر است و آن همان کون و فساد است. (ج) جمع انقلابات. [۱۶]

۱-۲-۱ این معانی در پنج مبحث طبقه‌بندی شده‌اند:

(۱) مکتب ماتریالیسم (۲) توبه و استغفار (۳) قیام و شورش (۴) دگرگونی و تحول (۵) انقلاب‌های جهان.

۱-۲-۲ پس از نظم‌بخشیدن و ارتباط مطالب با هم با قید حفظ امانت در عبارات و اصطلاحات و حذف موارد تکراری و طبقه‌بندی در پنج مبحث کلی که وی در آن مباحث، کلمه انقلاب را به کار برده‌است؛ و با ذکر شاهد مثال این پژوهش را سامان‌بخشیدم.

۱-۳ در این مقاله کاربرد کلمه انقلاب در مباحث مختلف بررسی شده‌است. مقاله حاضر پژوهشی است که دیگر محققان می‌توانند از آن برای مطالعه در آثار مطهری و تحقیق به این شکل استفاده کنند. در زمینه‌های دیگر نیز به صورت گزینشی می‌توان تحقیق کرد؛ حتی در آثار دیگر مشاهیر.

۱-۳-۱ در این مقاله تنها (۱۴) اثر مطهری بررسی و تجزیه و تحلیل شده‌است. آثاری که فاقد کلمه انقلاب بودند؛ از حیطه تحقیق ما خارج شده‌است.

۲. ماتریالیسم

کلمه انقلاب در کلام وی با مباحثی همچون ماتریالیسم (مادی‌گرایی) و مارکسیسم و... همراه است.

۲-۱ آثار این مبحث:

مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (۵) جامعه و تاریخ، مسأله شناخت، اصول فلسفه و روش رئالیسم (۳)، قیام و انقلاب مهدی (عج)، علل گرایش به مادی‌گری، تکامل اجتماعی انسان، نقدی بر مارکسیسم.

۲-۲ کلمه انقلاب در قالب این مبحث:

انقلاب عامه، انقلاب (جنبش)، انقلاب شکم، انقلاب (کمونیستی)، انقلاب اجتماعی، انقلاب بنیادی، انقلاب چین، مذهب انقلاب، انقلاب توحیدی، انقلاب به اضداد به یکدیگر، شهادت انقلاب، انقلاب (نهضت)، انقلاب سر، انقلاب فطری انسانی، انقلاب طبقاتی، انقلاب روح، قیام و انقلاب مهدی (عج).

۲-۳ او درباره طی مراحل تاریخ و بازگشت آن به همان نقطه آغاز طبق نظر سوسیالیست‌ها یک مثال می‌آورد:

«...مثلاً یک نظام قبایلی خشن وسیله مردمی بیابانگرد که شجاعت و اراده دارند تأسیس می‌شود. این حکومت به طبیعت خود منجر به اشرافیت و اریستوکراسی می‌گردد. انحصارطلبی در حکومت اشرافیت به انقلاب عامه و حکومت دموکراسی منتهی می‌شود...» [۱۵] و دوباره این روند به دوره استبدادی خود بازمی‌گردد. درباره انقلاب شکم؛ او خطاب به روشنفکرانی که منشأ انقلاب را طبقه محروم می‌دانند و انقلاب را انقلاب شکمی می‌پندارند:

«این روشنفکران می‌پندارند که راه فرهنگ الزاماً باید به شکم منتهی شود و همه انقلاب‌های بزرگ تاریخ، حتی انقلاب‌هایی که وسیله پیامبران خدا رهبری شده انقلاب شکم و برای شکم بوده‌است.» [۱۵] و به نقل از مارکس و پندار روشنفکران مدّ نظر خود این جمله را از مارکس می‌گوید:

«انقلاب فقط می‌تواند از یک جنبش قهرآمیز و یک جنبش توده‌ای ناشی شود» [۱۵] با برداشتی دیگر از نظر مارکس از وی می‌رسیم:

«اینچنین مکتبی اصلاحات را مانع تلقی می‌کند، چون اصلاحات فشار را کاهش می‌دهد و کاهش فشار مانع انقلاب و انفجار می‌گردد و حداقل آن را به تأخیر می‌اندازد...» [۱۵]

درباره تفسیر غلط از نماز می‌گوید:

«...هرجا که در قرآن "اقیموا الصلوة" آمده‌است امر اکید و فرمان شدید به همبستگی افراد این حزب در مرحله غیب انقلاب توحیدی تلقی شده‌است...» [۷] در این بحث، مادی‌گرایان را طرفدار جبر می‌داند و قدرت اختیار انسان را طبق نظرات آنان نقض می‌کند و انسان را مقهور می‌پندارد؛ این مطالب ریشه مادی‌گرایی را در تاریخ برای نمایان‌گر می‌سازد و انقلاب اجتماعی را از آن منظر معرفی می‌کند:

«مادیین طبق همین عقیده مادی خود تاریخ بشر را به طور مادی توجیه و تفسیر می‌کنند یعنی هر عمل و هر وضع و هر نمود اجتماعی و هر حرکت و تطوّر و انقلاب اجتماعی را صرفاً مولود وضع مادی محیط می‌دانند و شرایط مختلف محیط مادی را به وجود آورنده آن وضع و آن حالت می‌دانند.» [۲] بینشی درباره تاریخ وجود دارد که تحولات آن را جزئی از طبیعت می‌دانند. (بینش دیالکتیکی یا ابزاری):

«برخی، تحولات تکاملی تاریخ را از زاویه انقلاب به اضداد به یکدیگر توجیه می‌کنند؛ منحصر به تاریخ نیست جزئی از طبیعت است و تحولات تکاملی را به طور کلی از این راه توجیه می‌نمایند.» [۲] در تفسیر قرآن به دست ماتریالیسم‌ها که اسلام را یک دین انقلابی، شکمی می‌پندارند یک سؤال؛ می‌پرسد؟ که ختم بحث است:

«آیا انقلاب قرآن و حزب‌الله، انقلاب شکم است و ریشه اقتصادی و طبقاتی دارد، یا انقلاب سر است و ریشه در فطرت آدمی دارد؟» [۱۳] که جواب را در ادامه می‌دهد که مادیون قصد دارند همه چیز را مادی جلوه دهند.

۳. استغفار

انقلاب علیه خود و تغییر به قصد رضای حق؛ انقلابی که از درون جوشش یابد دیگری است از انقلاب در آثار وی.

۱-۳ آثار:

آزادی معنوی، امدادهای غیبی، جامعه و تاریخ (۵)، حکمت‌ها و اندرزها (۲)، جهان‌بینی اسلامی (۱).

۲-۳ انقلاب در قالب این بحث:

انقلاب روحی، انقلاب درونی، قیام، انقلاب مقدّس، انقلاب مقدّس درونی، انقلاب آزاد، توبه، انقلاب درونی-توحیدی، انقلاب درون-برون، انقلاب خود.

۳-۳ او در این بحث از کتاب «مصباح الشریعة» روایتی می‌آورد:

«مردی است به نام فضیل بن عیاض، معاصر با امام صادق علیه السلام. او از معارف است. یکی از مردانی است که دورانی از عمر خویش را به گناه و فسق و فجور و دزدی و سرقت و این حرف‌ها به سر برده‌است، بعد یک انقلاب روحی عجیبی پیدامی‌کند و تتمه عمر خویش یعنی نیمی از آن را در تقوا و زهد و عبادت و در معرفت و حقیقت‌خواهی به سر می‌برد.» [۵] داستان فضیل از این قرار است که شبی برای دزدی رفته بود از قضا صاحبخانه شب‌زنده‌دار بود. صوت قرآن بر دلش اثر می‌کند که مضمونش ترک گناه و روی‌آوری به حسنات بود.

۳-۴ در معنای توبه:

«توبه عبارت است از یک نوع انقلاب درونی، نوعی قیام، نوعی انقلاب از ناحیه خود انسان علیه خود انسان.» [۵] همچنین: «توبه یعنی آن قیام درونی، اینکه مقامات عالی وجود انسان علیه مقامات دانی وجود او... یک مرتبه انقلاب می‌کنند...» [۵] و همچنین برعکس. و ماهیت توبه: «توبه عبارت است از قیام و انقلاب مقدس قوای فرشته صفت انسان علیه قوای بهیمی صفت و شیطان صفت انسان.» [۵]

۳-۵ در هدف انقلاب اسلامی به غیر از برانگیختن مردم در برابر ظلم می‌گوید:

«انقلاب درونی ایجاد کرد، یعنی بشر را حتی علیه تبهکاری‌های خودش به قیام واداشت.» [۳]

در پایان با این جمله وی بحث را ختم می‌کنیم:

«علم به ما روشنایی و توانایی می‌بخشد و ایمان عشق و امید و گرمی، علم ابزار می‌سازد و ایمان مقصد، علم سرعت می‌دهد و ایمان جهت علم توانستن است و ایمان خوب خواستن، علم می‌نمایاند که چه هست و ایمان الهام می‌بخشد که چه باید کرد؟ علم انقلاب برون است و ایمان انقلاب درون...» [۱۴]

۴. شورش

قیام مبحث دیگری از انقلاب است.

۴-۱ آثار:

داستان راستان (۱)، خدمات متقابل اسلام و ایران، اسلام و نیازهای زمان (۱)، جاذبه و دافعه علی (ع)، حکمت‌ها و اندرزها (۱)، (۲)، قیام و انقلاب مهدی (عج)، تکامل اجتماعی انسان.

۴-۲ انقلاب در قالب این بحث:

شورش، پرانقلاب، ظهور امام زمان (عج).

۴-۳ در داستان بزم خلیفه، متوکل عباسی از توجه مردم به امام هادی (ع) رنج می‌برد، در این بین:

«سعایت‌کنندگان هم به او گفتند ممکن است علی بن محمد باطناً قصد انقلاب داشته باشد و بعید نیست اسلحه و یا لاقط نامه‌هایی که دال بر مطلب باشد در خانه‌اش پیدا شود.» [۱۰]

داستان سعد بن ربیع که فقط برای خدا جنگید و بعد از خبر گرفتن از فرستاده پیامبر به شهادت رسید و پیامی به مسلمانان داد:

«عذری نزد خدا نخواهید داشت اگر به پیغمبر شما آسیبی برسد و شما جان در بدن داشته باشید.» [۱۱] و: «ماجرای پرنقلاب و غم‌انگیز اُحد به پایان رسید.» [۱۱]

همچنین در شورش خوارج می‌گوید:

«ما کم‌کم که از توبه علی مأیوس گشتند روششان را عوض کردند و تصمیم گرفتند دست به انقلاب بزنند.» [۸]

وی در باب موقعیت‌شناسی ائمه می‌گوید:

«راهی که حسین بن علی علیه السلام با انقلاب و قیام و نهضت خویش پیمود و راهی که علی و حسن علیهم السلام از طریق مسالمت و مدارا پیمودند، همه به یک نقطه منتهی می‌شود.» [۴]

۵. تغییر

تغییر، دگرگونی و تحول مبحث دیگر از انقلاب در آثار مطهری است.

۵-۱ آثار بحث:

اخلاق جنسی، سیری در سیره نبوی، قیام و انقلاب مهدی (عج)، تکامل اجتماعی انسان، جاذبه و دافعه علی (ع)، مقالات فلسفی، پانزده گفتار، جهان‌بینی اسلامی (۳) وحی و نبوت، اصول فلسفه و روش رئالیسم (۲)، (۳)، (۵)، خدمات متقابل اسلام و ایران، امدادهای غیبی در زندگی بشر.

۵-۲ انقلاب در قالب این بحث:

انقلاب فکری، تلاطم، تغییر، اصلاح، انقلاب مهدی (عج)، ثورة و انقلاب (زیرروشدن)، انقلاب روحی، نهضت، انقلاب اندیشه، انقلاب ذاتی، انقلاب عدم به وجود، انقلاب روحی و معنوی.

۵-۳ تغییر و تلاطم از کلمات کوتاه پیامبر (ص) می‌باشد:

«دل انسان همچو پری است که در بیابان به شاخه درختی آویزان باشد؛ از وزش بادهای دائم در انقلاب است و زیررومی‌شود.» [۱۲]

در بیان فضیلت‌های علی (ع) می‌گوید که فیلسوفان شاگرد می‌سازند نه پیرو، رهبران اجتماعی پیروان متعصب می‌سازند نه انسان‌های مهذب، اقطاب و مشایخ عرفان ارباب تسلیم می‌سازند نه مؤمن مجاهد. همه این‌ها در علی هست و می‌گوید:

«در علی، هم خاصیت فیلسوف است و هم خاصیت رهبر انقلابی و هم خاصیت پیر طریقت و هم خاصیتی از نوع خاصیت پیامبران مکتب او، هم مکتب عقل و اندیشه است و هم مکتب ثورة و انقلاب و هم مکتب تسلیم و انضباط و هم مکتب حسن و زیبایی و جذبه و حرکت.» [۸]

۵-۴ در پایان، از دید وی کاری که انقلاب انجام می‌دهد را می‌آورم:

«یک انقلاب چه می‌کند؟ جز این است که دیدی را نسبت به جهان عوض می‌کند، هدف و ایدئولوژی می‌دهد، افکار و معتقدات را دگرگون می‌سازد...» [۹]

۶. انقلاب‌های جهان (ملت‌ها، نهضت‌ها)

انقلاب‌های ملی، سیاسی و جریان‌های فکری جهان بحث آخر این پژوهش است. وی در اکثر مواضعی که از این مبحث می‌گوید قصد دارد زیربنای ایدئولوژی اسلامی را بریزد.

۱-۶ آثار این بحث:

جامعه و تاریخ (۵)، پانزده گفتار، قیام و انقلاب مهدی (عج)، خدمات متقابل اسلام و ایران، انسان کامل، اخلاق جنسی، تکامل اجتماعی انسان، اصول فلسفه و روش رئالیسم (۲).

۲-۶ انقلاب در قالب این بحث:

انقلاب چین (انقلاب کشاورزی)، انقلاب لهستان، انقلاب مشروطیت، انقلاب کارگری، تجدید نهضت، انقلاب کمونیستی، انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب صنعتی، انقلاب اکتبر روسیه.

۳-۶ او در معرفی مائو می‌گوید وی هوشمندتر از مارکس است که همیشه مارکسیسم بماند:

«انقلاب چین که وسیله مائو رهبری شد عملاً سوسیالیست علمی و ماتریالیسم تاریخی و بالنتیجه مارکسیسم را نقض کرد چین رهبری مائو با یک انقلاب کشاورزی رژیم فئودالیسم کهن چین را واژگون کرد...» [۱۵] و در تجدید انقلاب چینی‌ها که انقلاب خود را تجدیدی‌کنند به علت جلوگیری از انحراف می‌گوید:

«مدعی هستند که انقلاب کمونیستی شوروی خودش یک تجربه است.» [۶] و از کشتارهای انقلابی در انقلاب روسیه می‌نویسد: «سولژنیتسین معروف در کتابی که به نام مجمع‌الجزایر گولاک نوشته‌است مدعی است که از انقلاب اکتبر تاکنون در حدود صد میلیون نفر به عنوان تصفیه در شوروی کشته شده‌اند.» [۱]

۴-۶ در ماهیت انقلاب اسلامی می‌گوید:

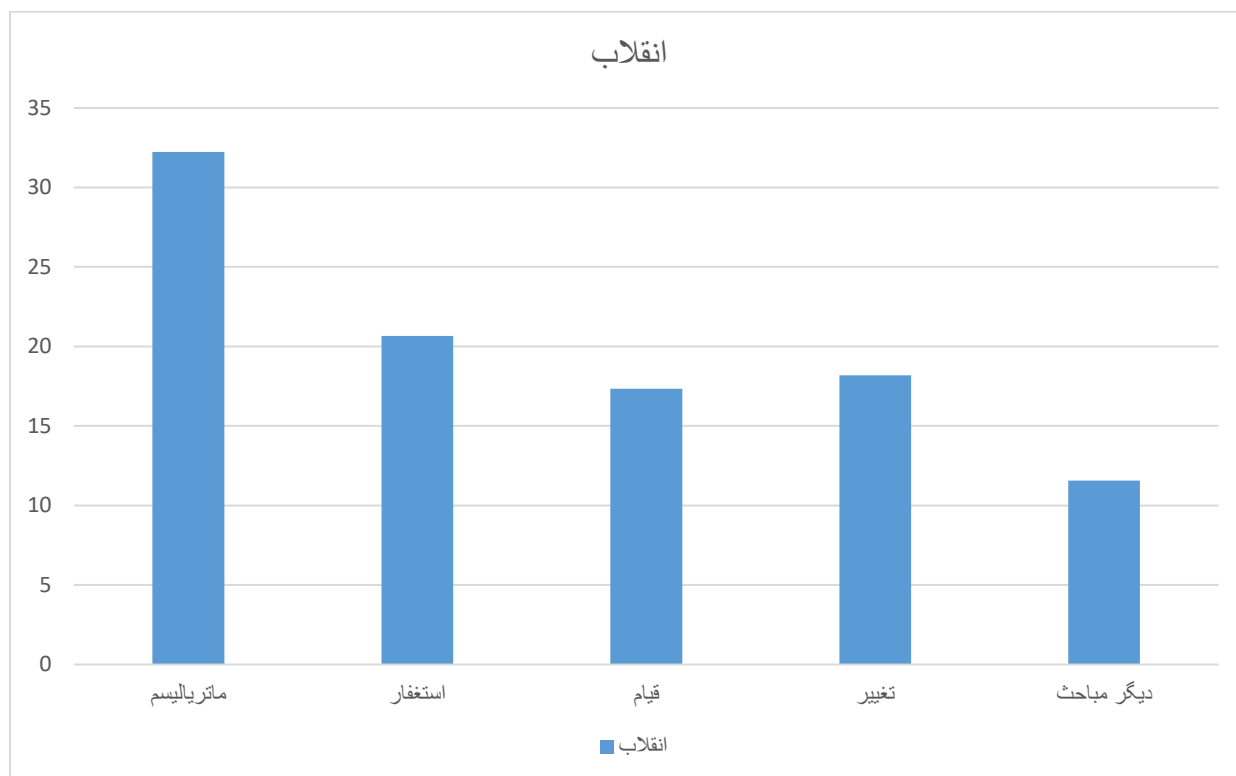
«ماهیت انقلاب اسلامی تنها این نبود که طبقه‌ای را به جان طبقه دیگر بیندازد.» [۳] او در جای دیگر در پاسخ به پندار روشنفکران و مارکس درباره انقلاب که آن را شکمی، قهرآمیز و جنبش توده‌ای می‌دانند، انقلابی را مثال می‌زند که خاستگاهش الهی بوده و در آن شور الهی، انسانی موج می‌زند، و اشاره به تاریخ می‌کند:

«آن‌چنان که نمونه‌اش را مکرر در تاریخ مشاهده کرده‌ایم و انقلاب اسلامی نمونه روشن آن است.» [۱۵]

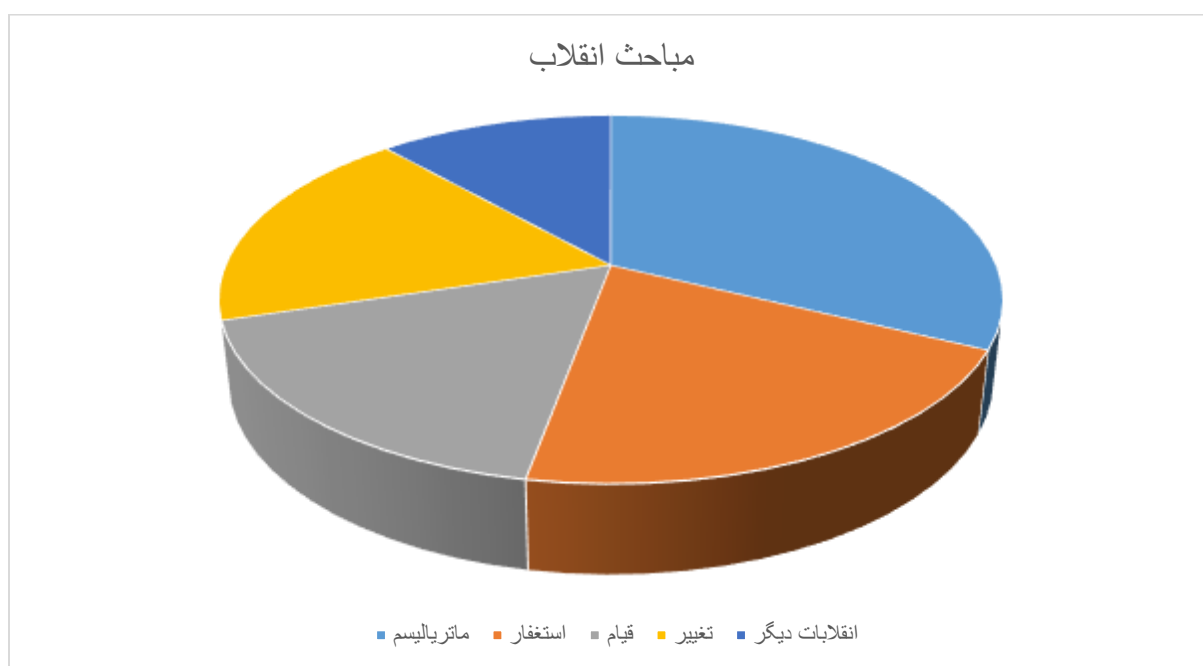
کتاب جمع آوری شده "آینده انقلاب اسلامی ایران" از جمله آثار وی است که علاوه بر آینده انقلاب اسلامی ایران به انقلاب‌های دیگر جهان هم پرداخته و مبانی آنان را ترسیم کرده‌است. اجمالاً این مطلب را گفتم؛ زیرا از حوصله این پژوهش خارج است.

۷. نمودارهای درصدی

۷-۱ نمودار میله‌ای



۷-۲ نمودار دایره‌ای



۸. نتیجه گیری:

آثار مطهری دارای دو زمینه کلی است:

۱- خاص: دانشجویان و اساتید فرهیخته دانشگاه و حوزه.

۲- عام: مردم عادی، در سخنرانی‌های مساجد و اقشار دیگر مردم.

هر کدام بنابر مخاطبانی که وی داشته‌است. در ضمن او یک سخنران است، و تناقضاتی که در آثار وی می‌باشد بنا به رعایت همین نکته است. پس مخاطبان وی سطح مطالب را تعیین می‌کنند.

کلمه باید در جمله بررسی شود پس کلمه انقلاب در آثار مطهری را در جملات بررسی کردیم. کلیه مباحث در پنج مطلب خلاصه شد.

الف: ماتریالیسم: مادی‌گرایی، مارکس و مکاتبی که انقلاب را به طور مادی تفسیر کرده‌اند؛ که بیشتر ترکیبات انقلاب در قالب این مبحث در آثار وی است.

ب: توبه: قیام علیه نفس و خواسته‌هایش یا انقلاب علیه خود.

ج: شورش: قیام‌ها و سرکشی‌های اجتماعی، تاریخی و سیاسی.

د: تحول: تغییر در فکر، معنای مورد نظر زیرورودن، تغییر در عناصر و روح.

ه: انقلاب‌های جهان: شامل انقلاب‌های فکری، سیاسی و مذهبی تاریخ بشر می‌شود.

حال بینشی کلی از کاربرد کلمه انقلاب در آثار وی رسیدیم، که هدف این پژوهش است. این پژوهش با شیوه‌ای نو در آثار مطهری مطالعه کرده‌است و نمای کلی آثار وی را درباره انقلاب تعیین می‌کند. و برای محققان دیگر می‌تواند راهگشا باشد.

۹. منابع

[۱]	مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵، تکامل اجتماعی انسان، انتشارات صدرا، قم.
[۲]	مطهری، مرتضی، ۱۳۸۶، اصول فلسفه و روش رئالیسم (۲)، انتشارات صدرا، قم.
[۳]	مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، امدادهای غیبی در زندگی بشر، انتشارات صدرا، قم.
[۴]	مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، حکمت‌ها و اندرزها (۲)، انتشارات صدرا، قم.
[۵]	مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، آزادی معنوی، انتشارات صدرا، قم.
[۶]	مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، پانزده گفتار، انتشارات صدرا، قم.
[۷]	مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، پنج مقاله، انتشارات صدرا، قم.
[۸]	مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، جاذبه و دافعه علی(ع)، انتشارات صدرا، قم.
[۹]	مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا، قم.
[۱۰]	مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، داستان راستان (۱)، انتشارات صدرا، قم.
[۱۱]	مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، داستان راستان (۲)، انتشارات صدرا، قم.
[۱۲]	مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، سیری در سیره نبوی، انتشارات صدرا، قم.
[۱۳]	مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، علل گرایش به مادی‌گری، انتشارات صدرا، قم.
[۱۴]	مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (۱)، انتشارات صدرا، قم.
[۱۵]	مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (۵)، انتشارات صدرا، قم.
[۱۶]	معین، محمد، ۱۳۷۵، فرهنگ فارسی (۱)، انتشارات امیرکبیر، تهران.